



راز یک حسرت

- ❖ مؤلف؛ حجت الإسلام محمد جواد سعیدی پور
- ❖ موضوعات؛ عواقب انتخاب بد/ بایدها و نبایدهای انتخاب دوست
- ❖ قالب ارائه؛ درسنامه دانش آموزی
- ❖ قالب محتوا؛ متن مکتوب و پاورپوینت
- ❖ مخاطب؛ مقطع متوسطه اول _ دانش آموزی
- ❖ محصول؛ گروه تبلیغی آفتاب

مقدمه

ضرورت:

نوجوانان در عنفوان جوانی در معرض خیلی از خطرات و آسیب‌های اجتماعی هستند و با عدم توجه به انتخاب صحیح در دو راهی‌های زندگی خود به خصوص عدم دقت در انتخاب دوست، دچار چالش‌ها و آسیب‌هایی می‌شوند که جبران آن بسیار دشوار است؛ برای پیشگیری از این آسیب‌ها، شناخت فضای انتخاب و روش انتخاب صحیح دو راهی یا چند راهی‌های زندگی و انتخاب هدفمند دوست، ضرورت این قشر از مخاطبان است.

اهداف محتوا:

۱. آشنایی با فضای انتخاب در زندگی

۲. دقت در انتخاب دوست

۳. انتخاب هدفمند دوستان

حسرت یک انتخاب (انتخاب نادرست):

در مسیر زندگی انسان دو راهی‌ها یا چند راهی‌های متعددی وجود دارد و به جرأت می‌توان گفت که سر تا سر زندگی انسان مملو از راه‌های گوناگون و البته بیراهه‌ها و پیرو این راه‌ها انتخاب‌های گوناگون است و انسان ناگزیر است از بین دو یا چند راهی‌های زندگی یک راه را انتخاب کند، چرا که تردیدی نیست عمر انسان به قدری نیست که همه راه‌ها را تجربه کند، حتی اگر عمر انسان هم کفاف این تجارب را می‌داد، باز معقول نبود که انسان خود را به خطر بیندازد و همه راه‌ها را آزمون و خطا نماید؛ چرا که گاهی اوقات، انتخاب یک راه اشتباه، انسان را چند سال عقب می‌اندازد و حتی گاهی اوقات انتخاب یک راه اشتباه، ممکن است کل عمر انسان را تحت الشعاع قرار دهد و یا اینکه تباه کند؛ پس باید انسان از عقل (پیامبر درون) و از وحی (آیات) و روایت و کلام پیامبران و ائمه معصومین علیهم‌السلام (پیامبران برون) کمک بگیرد تا بعدها حسرت عدم انتخاب صحیح را نخورد.

با فحص و جستجو در سور و آیات قرآن کریم متوجه می شویم که قرآن کریم شانزده مورد را که انسان در قیامت حسرت می خورد را متذکر می شود و ما در این محتوا با توجه به نیاز مخاطب فقط دو مورد از آن موارد را که مربوط به بحثمان است آورده ایم.

با توجه به اشرف مواد یعنی آیات و روایات و سایر مواد تبلیغی مانند داستان و شعر و جذابیت های تبلیغی که اساتید و نخبگان عرصه تبلیغ از آن به ملات یعنی رابط بین مواد یاد می کنند بایستی بحث راز حسرت انسان واکاوی شده، فلسفه و چیستی حسرت خوردن انسان تبیین شود و قبل از اینکه انسان دچار خطا شود و از بین دو یا چند راهی های موجود، انتخابی کند که بعدها حسرت آن را بخورد، از این خطا پیشگیری نماید؛ چرا که علاج حادثه را قبل از وقوع باید کرد.

اما نکته ای در رابطه با مخاطب:

این محتوا قرار است برای دوره متوسطه اول باشد که سن این قشر از مخاطب بین سیزده تا شانزده سال است لذا از مواد شانزده گانه ای که از آیات قرآن استخراج شده، فقط دو موردی که نیاز این قشر از مخاطب است و می تواند با آن ارتباط برقرار کند تفکیک شده و مورد بحث قرار می گیرد.

بدیهی است در تأمین محتوا، دو راهی هایی که این قشر از مخاطب با آن مواجه است نیز در نظر گرفته شود تا محتوای پژوهش شده، مناسب با نیازها و دغدغه های احتمالی او باشد به عنوان مثال یکی از دو راهی های مهم، که در این سن و سال اشخاص مواجه می شوند؛ انتخاب دوست است یعنی مخاطب با هم سالان زیادی همنشین یا مواجه می شود لکن در انتخاب آن افراد به عنوان دوست، بین دو یا چند راهی ها قرار می گیرد؛ از این رو نیاز مسلم این قشر از مخاطب فراگیری بایسته و نبایسته های انتخاب دوست است.

اجازه دهید برای درک اهمیت واقعی این مطلب (نیاز مخاطب)، توجه شما را به آماری که از منابع معتبر آخذ شده جلب نمایم؛ طبق آمار رسمی کشور بیش از شصت درصد از مجرمین و اشخاص متبلا به اعتیاد مواد مخدر علت اصلی گرایش به جرائم خطرناک و سقوط در دام اعتیاد را همسالان یا واضحتر بگوییم انتخاب دوست ناباب اعلام نموده اند.

سؤالی که قطعاً مخاطب ما با آن مواجه می شود، این است که ما به ناچار با اشخاصی هم سن و سال خود در مدرسه، محله و... نشست و برخاست داریم؛ آیا انتخاب دوست خوب به این معناست که دور همه-ی این افراد را خط بکشیم؟!

البته که پاسخ این سؤال مشخص است لکن نکاتی وجود دارد که با مفاهیم و فراگیری بایسته و نبایسته- های انتخاب دوست، آن هم به نحو مطلوب، مخاطب را به حدی از بلوغ فکری در این موضوع برساند که این افراد(هم سن و سالان) را از هم تفکیک کند یعنی تعدادی از این افراد را فقط برای گذراندن اوقات فراغت، نشاط و تفریح خود، تعدادی را فقط برای یادگیری دروس مدرسه و تعدادی را نیز در حدی که فقط احوال پرسی نماید آن هم از روی ناچاری و ... انتخاب نماید؛ خلاصه کلام اینکه، مخاطب به این سطح از فهم برسد که مدیریت مواجهه با همسالان خود را یاد بگیرد.

عدم استفاده از موقعیت: از جمله عوامل حسرت‌زا، عدم استفاده از موقعیت مناسب است. انسان سلامتی، جوانی، مال و ثروت و یا موقعیتی دارد که می‌تواند با انتخاب درست، آن را تداوم بخشد و از آثار آن بهره‌مند شود، ولی با انتخاب نادرست، موقعیت آینده خود را به گونه‌ای رقم می‌زند که حسرت می‌خورد. از نظر قرآن حسرت اصحاب شمال در قیامت، به جهت بهره‌مند نشدن از مال و قدرت‌شان نمونه‌ای از این رفتار نادرست است. «(۲۵) وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ شِمَالَهُ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَةَ (۲۶) وَلَمْ أَدْر مَا حِسَابِيَةَ (۲۷) يَا لَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ (۲۸) مَا أَعْنَى عَنِّي مَالِيَةَ (۲۹) هَلْكَ عَنِّي سُلْطَانِيَةَ» و اما آن کس که کارنامه‌اش به دست چپ او داده شود، گوید: ای کاش نامه‌ام به من داده نمی‌شد و نمی‌دانستم حسابم چیست. ای کاش آن مرگ، پایان کار بود. مال من چیزی از من دفع نکرد و قدرتم از کف برفت» (حاقه/ ۲۵-۲۹)

همنشینی با دوستان بد: کسانی که در دنیا توسط دوستان نااهل دچار انحراف شده‌اند، در روز قیامت غرق در حسرتند و فریاد می‌زنند: «یا ویلتی لیتنی لیراحذفلا ناخلیلا» وای بر من این کاش فلانی را برای خودم به عنوان دوست نمی‌گرفتم، و از شدت ناراحتی دو دست خود را در دهان گذارده و به دندان می‌گیرد و می‌گوید: دوست بد مرا از راه خدا دور و منحرف کرد و ای کاش (به جای دوستی با فلانی)، با رسول خدا راهی پیدا می‌کردم (فرقان / ۲۸)

داستان ادواردو آنیلی به عنوان نمونه انتخاب صحیح دو راهی زندگی:

۱۵ نوامبر ۲۰۰۰ میلادی در ایتالیا (سال ۶۸ همان سالی که امام رحلت کردند) شخصی به نام ادواردو آنیلی تنها وارث مولتی میلیاردر ایتالیا، سناتور حیوانی آنیلی را ساعت ۱۰ و ۵ دقیقه صبح از پلی به پایین می‌اندازد و به قتل می‌رساند و بازرس پرونده بطور عجیبی بدون بررسی برچسب خودکشی به او می‌زند و بدون کالبد شکافی و آزمایشهای دقیق دستور دفن او را صادر می‌کند و عجیب تر اینکه مراسم تدفین به صورت مخفیانه و به دور از چشم دوربین‌ها انجام می‌شود.

ادواردو آنیلی تنها پسر و وارث مولتی میلیاردر مشهور ایتالیا سناتور جیوانی آنیلی که مالک مجموعه کارخانه‌های خودرو سازی فیات، مازراتی، لامبرگینی، آلفارومائو و لانچو و... بود به همراه چندین کارخانه تولید قطعات صنعتی، چند بانک خصوصی، شرکت‌های طراحی مدل و لباس، روزنامه‌های پرتیراژی چون لاستامپا و صاحب باشگاه یوونتوس بود.

ضمن اینکه خاندان آنیلی از سهام‌داران اصلی چندین شرکت ساختمان‌سازی، راه‌سازی، تولید لوازم پزشکی و هلیکوپترسازی هم بودند که درآمد سالیانه خاندان آنیلی در دهه هشتاد و نود میلادی تقریباً ۶۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شد که ۳ برابر درآمد نفتی ایران می‌شد.

ادواردو آنیلی پس از طی تحصیلات ابتدایی، وارد کالج آتلانتیک انگلستان می‌شود و مدرک دکترای خود را از دانشگاه پرینستون ایالت متحده در رشته ادیان و فلسفه شرق اخذ می‌کند.

ادواردو تصمیم به دوستی با قدیری ایبانه روزنامه نگار و دیپلمات ایرانی می‌گیرد؛ در همین دیدارها ادواردو شرح مسلمان شدنش در ۲۰ سالگی را چنین بیان می‌کند؛ در نیویورک در کتابخانه قدم می‌زدم، چشمم به قرآن افتاد، آیاتش را به انگلیسی خواندم، احساس کردم این کلمات، کلمات نورانی است و نمی‌تواند گفته بشر باشد؛ اوج علاقه او به تشیع و انقلاب در سفر به ایران شکل گرفت.

فروردین ۱۳۶۰ دیدار امام خمینی علیه السلام با انجمن اسلامی دانشجویان ایتالیا، در این دیدار امام خمینی علیه السلام پیشانی ادواردو را می‌بوسد. ادواردو چنان تحت تأثیر شخصیت امام قرار گرفته بود که ایگورمن خبرنگار روزنامه لاستامپا سال‌ها بعد نوشت ادواردو دائم از ملاقاتش با امام صحبت می‌کرد و من احساس می‌کردم که امام خمینی او را سحر کرده است، او مذهب تشیع را پذیرفت و نام مهدی را برای خود انتخاب کرد.

با امید به تغییر عقاید ادواردو خانواده آنیلی او را تحت فشار قرار می‌دادند؛ اوایل دهه نود شورای رهبری فیات ادواردو را فرد لایقی برای جانشینی پدرش تشخیص ندادند و پسر عموی ادواردو را برای جانشینی معرفی کردند.

ادواردو می‌گفت من را خواهند کشت؛ منتهی یا خواهند گفت مریض شد یا خواهند گفت در یک حادثه‌ای این اتفاق برایش افتاده یا خواهند گفت خودکشی کرده.

سرانجام ۱۵ نوامبر ۲۰۰۰ میلادی ساعت ۱۰ و ۵ دقیقه صبح او را از پل به پایین انداختند و شهیدش کردند و ادعا کردند که خودکشی کرده است.

ویژگی های دوست خوب:

هدف:

اهمیت انتخاب دوست، ویژگیهای دوست خوب، نتایج دوستی با خوبان و بدان و تأثیر آن در سرنوشت شخص

آیه

(۱) وَيَوْمَ رِعَضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلاً (۲۷) يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلانًا خَلِيلاً (۲۸)
لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولاً (۲۹) فرقان

و به خاطر بیابور روزی را که ظالم دست خویش را از شدت حسرت به دندان می‌گزد و می‌گوید: ای کاش با رسول خدا راهی برگزیده بودم. ۲۸- ای وای بر من! کاش فلان (شخص گمراه) را دوست خود انتخاب نکرده بودم! ۲۹- او مرا از یاد حق گمراه ساخت، بعد از آنکه آگاهی به سراغ من آمده بود، و شیطان همیشه مخدول کننده انسان بوده است. ترجمه ایه الله مکارم

(۲) مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ (۴۲) قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ (۴۳) وَلَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمَسْكِينِ (۴۴) وَكُنَّا نَحُوسُ مَعَ الْخَائِضِينَ (۴۵) (مدثر)

بهشتیان از جهنمیان می‌پرسند: چه چیز شما را به دوزخ وارد ساخت؟! (۴۲) می‌گویند: «ما از نمازگزاران نبودیم، (۴۳) و اطعام مستمند نمی‌کردیم، (۴۴) و پیوسته با اهل باطل همنشین و همصدا بودیم، (۴۵)

روایت

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ، فَلْيَنْظُرْ أَحَدَكُمْ مَنِ الْخَالِلُ»؛ 'انسان، بر طریقه دین و آیین

دوست خود است، پس باید هر یک از شما با دید عقل بنگرد با چه کسی رفاقت و دوستی می‌کند.
تو اول بگو با کیان زیستی پس آن گه بگویم که تو کیستی (سعدی)

ویژگی های دوست خوب :

بایدها:

۱) رعایت حال دوست:

علی (علیه السلام) درباره ویژگی های رفیق خوب می فرماید: «لَا يَكُونُ الصَّدِيقُ صَدِيقًا حَتَّى يَحْفَظَ أَحَاهُ فِي ثَلَاثٍ: فِي نَكَبَتِهِ، وَغَيْبَتِهِ وَوَفَاتِهِ»؛ دوست، دوست نیست؛ مگر این که برادر دینی و دوستش را در سه مورد رعایت کند: گرفتاری و بلای روزگار، هنگام غیبت و نبودش میان جمع و در وقت مرگ و وفاتش. دوست آن باشد که گیرد دست دوست

در پریشان حالی و درماندگی

۲) ایمان و پارسایی:

ایمان و پارسایی، از ویژگی های دیگر یک دوست است؛ انسان مؤمن و پرهیزکار چگونه ممکن است دوستانی داشته باشد که اعتقادی به دین و نشانی از بندگی خدا نداشته باشند؟ خداوند در همین باره می فرماید: «افراد با ایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند و هر کس چنین کند، هیچ رابطه ای با خدا ندارد».

۳) کمک کار در اطاعت خدا :

فی الحدیث : خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ أَعَانَكَ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ

و از همین جا استفاده می شود اگر قرار است همسر آینده دوست خوبی برای شما باشد باید معین شما در طاعت خدا باشد همانطور که حضرت زهرا س بود «خیر عون فی طاعة الله»

۴) باز دارنده از معاصی :

و فی الحدیث : خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ أَعَانَكَ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَصَدَّكَ عَنِ مَعَاصِيهِ

۵) آمر به اوامر الهی :

و فی الحدیث : خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ أَعَانَكَ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَصَدَّكَ عَنِ مَعَاصِيهِ وَأَمَرَكَ بِرِضَاهُ

۱. سید رضی، نهج البلاغه، حکمت ۱۳۴

۲. آل عمران، آیه ۲۸

۶ ، ۷) صدق حدیث و اداء امانت :

أَحْتَرِبُ وَهُوَ عِنْدَ صَدِيقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ.

۸) محافظت بر اوقات نماز :

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَحْتَرِبُوا إِخْوَانَكُمْ بِخُصْلَتَيْنِ فَإِنْ كَانَتْمَا فِيهِمْزٍ وَالْأَفَاعُزْبُ ثُمَّ أَعَزْبُ ثُمَّ أَعَزْبُ مُحَافَظَةً عَلَى الصَّلَاةِ فِي مَوَاقِيتِهَا وَالْإِخْوَانِ فِي الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ^۲

نبايد ها :

۱ ، ۲ ، ۳) : متظاهر به گناه ، احمق و دروغگو نباشد :

امام صادق عليه السلام فرمود: هر گاه امیر المؤمنین عليه السلام بمنبر بالا میرفت می فرمود: برای مسلمان سزاوار است که از رفاقت با سه کس اجتناب کند: بی باک (در گفتار و کردار و هرزه)، و احمق، و دروغگو، اما شخص بی باک و هرزه، کار خود را برای تو زینت دهد، و دوست دارد که تو هم مانند او باشی، و در کار دین و آخرت تو را یاری نکند، و رفاقت با او جفا و سخت دلی آرد، و رفت و آمدش برای تو ننگ و عار است، و اما احمق پس او بخیر و خوبی تو دستور ندهد، و در دفع شر از تو امیدی باو نیست اگر چه خود را بتعب و رنج اندازد، و چه بسا بخواهد که بتو سودی برساند (ولی بواسطه حماقتش) بتو زیان رساند پس مرگ او بهتر از زندگیش باشد، و خموشیش به از سخن گفتن است، و دوری اش به از نزدیکی است، و اما دروغگو هیچ گاه زندگی بهمراهی او بر تو گوارا نیست گفته تو را نزد دیگران برد، و حدیث دیگران را نزد تو آرد، و هر گاه داستانی را بآخر رساند داستان دیگری بدنبالش افزایش تا آنجا که بسا راست گوید ولی باور نکنند، و در میان مردم دشمنی اندازد، و در سینه مردمان کینه ها برویاند، پس از خدا بترسید و خود را بیایید (که با چه کسی رفاقت می کنید و طرح دوستی می افکنید).^۳

۴ و ۵) بخیل و ترسو نباشد :

بخیل و ایاک و مصاحبه البخیل نهج البلاغه . چون در وقت احتیاج انسان را تنها می گذارد. ترسو . ایاک و مصاحبه الجبان نهج البلاغه . انسان را از انجام کارهای بزرگ محروم می کنه

۱. کافی ج ۲ ص ۱۰۴

۲. کافی ج ۲ ص ۶۷۲

۳. أصول الكافی / ترجمه مصطفوی، ج ۴، ص: ۸۵

نکات

(۱) یکی از نامه‌های قیامت یوم الحسره است حتی برای نیکوکاران هم روز تأسف است، تأسف از اینکه چرا بیشتر از این نیکی و کار خیر نکردند؟!

مثل جمعیتی که از بیابان ظلمانی گذر کردند و رهبرشان به آنها گفت هر چه قدر می توانید از سنگ ریزه های بیابان جمع کنید عده ای عمل کردند و مقداری برداشتند و عده ای چیزی برداشتند بعد که بیابان روشن شد به سنگ ریزه ها نگاه کردند دیدند سنگ های قیمتی است آنوقت همه تأسف خوردند تأسف آنهایی که برداشته بودند روشن است اما کسانی که برداشته بودند هم تأسف خوردند که چرا کم برداشتند

(۲) طبق این آیه شریفه یکی از عوامل تأسف در قیامت دوست انسان است لذا انسان هر چه در انتخاب دوست دقت کند کم است برای انتخاب یک دوست خوب توجه به اوصافی که در روایات بیان شد ضروری است.

داستان

شان نزول:

برای این آیات شان نزولی نقل کرده‌اند که فشرده‌اش چنین است:

" در عصر پیامبر ﷺ دو نفر دوست در میان مشرکان به نام عقبه و ابی بودند هر زمان عقبه از سفر می‌آمد غذایی ترتیب می‌داد و اشراف قومش را دعوت می‌کرد و در عین حال دوست می‌داشت به محضر پیامبر ص برسد هر چند اسلام را نپذیرفته بود.

روزی از سفر آمد و طبق معمول غذا ترتیب داد و دوستان را دعوت کرد، در ضمن از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نیز دعوت نمود.

هنگامی که سفره را گسترده و غذا حاضر شد پیامبر ص فرمود: من از غذای تو نمی‌خورم تا شهادت به وحدانیت خدا و رسالت من دهی، "عقبه" شهادتین بر زبان جاری کرد.

این خبر به گوش دوستش "ابی" رسید، گفت ای عقبه از آئینت منحرف شدی؟ او گفت نه به خدا سوگند من منحرف نشدم، و لکن مردی بر من وارد شد که حاضر نبود از غذایم بخورد جز اینکه شهادتین بگویم، من از این شرم داشتم که او از سر سفره من برخیزد بی آنکه غذا خورده باشد لذا شهادت دادم! ابی گفت من هرگز از تو راضی نمی‌شوم مگر اینکه در برابر او بایستی و سخت توهین کنی!، عقبه این کار را کرد و

مرتد شد، و سرانجام در جنگ بدر در صف کفار به قتل رسید و رفیقش "ابی" نیز در روز جنگ احد کشته شد.

پس از آن آیات فوق نازل گردید و سرنوشت مردی را که در این جهان گرفتار دوست گمراهش می شود و او را به گمراهی می کشاند شرح داد.^۱

گره به مخاطب

در مدرسه شما با کسانی همراه می شوید که گاهی تا پایان دوره راهنمایی همدیگر را به عنوان هم دوره ای می شناسید لذا در انتخاب دوست باید کمال دقت را بنمایید.

شرح کوتاه: پیامدهای شوم انتخاب نادرست

بسیاری از مردم فکر می کنند اگر واقعیتها را فراموش کنند واقعیتها نیز آنها را فراموش خواهد کرد، و دامانشان را نخواهد گرفت.

چنین می پندارند می توان تخم بد کاشت و حاصل خوب برداشت، در حالی که به گفته آن شاعر نکته پرداز جای شک نیست که:

تخم گل کاشتی آخر گل شد

بر سرش نغمه سرا بلبل شد

خار کشتی ثمرت خار دهد

خار جز خار کجا بار دهد؟

در زمین دل خود کشتی خار

خار بار آمد و دادت آزار

آری، چیزی نمی گذرد که این پندارها همچون ساختمان فرسوده موربانه خورده ای فرو می ریزد، و یا همچون حباب هایی بر سطح آب محو می شود، و یا مانند خواب و خیالی با بیدار شدن پایان می گیرد و چهره عبوس واقعیت های شوم که ثمره اعمال نادرست خود انسان است ظاهر می شود، و طعم تلخ پیامدهایی را که محصول اعمال نسنجیده و خام است، خواهد چشید.

آری، این حکم قانون هستی است که با قدرت هر چه تمام تر بر سراسر تاریخ بشر حکومت کرده و می‌کند که خطاکاران را از نتایج اعمالشان با خبر می‌سازد. شهید زندگی را در کامشان شرنگ و رؤیاهای شیرین را به کابوسی وحشتناک مبدل می‌سازد.

بانوی اسلام در چهارمین فراز از خطبه اش بر همین معنا تکیه می‌کند و به آنها گوشزد می‌فرماید که: شتر خلافت بعد از انحراف از مسیر، بزودی باردار می‌شود و نوزاد عجیب الخلقه خود را بر زمین می‌نهد، آن گاه به جای آن که شیر گوارا و لبن سائغ آن را بنوشید، کاسه‌های مملو از خون تازه به شما تحویل خواهد داد، و جام دل شما را مملو از این خون می‌سازد! و به جای شیر شیرین، زهر جانگداز در کامتان فرو خواهد ریخت.

یعنی کم کم نوبت به ستمگران تاریخ و فرزندان و نواده‌های «ابوسفیان» و «حجاج‌ها» و «ابن اشعث-ها» و بدتر از آنها می‌رسد که شمشیرهای برنده را بر گردن شما و فرزندانان می‌نهند، و خرمن زندگی شما را با داس مرگبار خود درو می‌کنند.

نه فقط اموالتان را به غارت و زاننتان را به اسارت می‌برند، که با قتل عام‌های پی در پی صفحه زمین را از خونتان رنگین می‌سازند و حتی در درون مسجد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آری در درون مسجد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ دومین حرم امن خدا، آن قدر از شما و فرزندانان می‌کشند که صحن مسجد مالامال از خون می‌شود، حتی حرمت خانه خدا را نگه نمی‌دارند و آن را با منجیق سنگباران کرده و در درون یا بیرون آن شما را از دم تیغ می‌گذرانند!

شما گمان کردید اگر با عذرهای واهی دست از یاری حق و دفاع از جانشین پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ برداشتید به آسانی از مجازات الهی در امان می‌مانید، و از عواقب سوء اعمالتان می‌گریزید، زهی تصور باطل، زهی خیال محال!

و امروز ... آری امروز که ما به گذشته تاریخ می‌نگریم واقعیت سخنان پر محتوای بانوی بزرگ اسلام را روشن تر از همیشه می‌یابیم که انحراف خلافت از محور اصلی چه عواقب دردناکی برای مسلمین به بار آورد؟ و چگونه جان و مال و نوامیس آنها، و از آن افزونتر قوانین و احکام و مقدسات اسلام بازیچه دست بازماندگان احزاب جاهلی شد!

عمّال بنی امیه نه بر صغیر رحم کردند و نه بر کبیر؛ نه پاس حرم رسول الله (صلی الله علیه و آله) را داشتند و نه احترام خانه خدا را؛ نه برای مهاجران ارزشی قائل بودند و نه برای انصار.

از فرزندان ابوسفیانی که به اطرافیانش توصیه می‌کرد:

«تَلَفُّوْهَا يَا بَنِي اُمِيَّةَ تَلَفَّتْ الْكِرَّةُ فَوَالَّذِي يَحْلِفُ بِهَا اَبُو سَفْيَانَ مَا مِنْ جَنَّةٍ وَلَا نَارٍ»؛

گوی خلافت را از میدان برابید ای بنی امیه، سوگند به چیزی که ابوسفیان هنوز به آن وفادار است و سوگند یاد می کند، نه بهشتی در کار است و نه دوزخی!»
چه انتظاری می توان داشت.

لذا معاویه فرزند همین ابوسفیان نیز می گفت:

«مَا قَاتَلَكُمْ لِيُصَلُّوا وَلَا لِتَصُومُوا... بَلْ قَاتَلْتُمْ كَمَا لَا تَأْمُرُ عَلَيْكُمْ»

من با شما پیکار نکردم که نماز بخوانید یا روزه بگیرید ... من فقط برای این پیکار کردم که بر شما حکومت کنم!

و از همه بدتر داستانی است که ابن ابی الحدید عالم معروف اهل سنت از زبیر بن بکار نقل می کند و آن را عنوان سندی بر عدم اعتقاد معاویه به نبوت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) از سوی جمعی از دانشمندان (اهل سنت) می شمرد. او می گوید:

فرزند مغیره بن شعبه نقل می کند که: با پدرم نزد معاویه رفتم، و پدرم غالباً نزد او می رفت و هنگام بازگشت از عقل و هوش معاویه می گفت، ناگهان شبی آمد و از غذا خوردن امتناع کرد، و بسیار اندوهگین بود، من فکر کردم حادثه ای روی داده، از علت آن پرسیدم، گفت: فرزندم! من از نزد کسی آمدم که از همه بی ایمان تر و آلوده تر است!

گفتم: چه می گویی؟

گفت: من با او خلوت کرده بودم و به او گفتم: تو به اعلا درجه حکومت رسیده ای، اگر عدالت را پیشه کنی، و نیکی را گسترش دهی، به نفع توست، چرا که سن تو زیاد شده است، و اگر نظر محبتی به برادرانت از بنی هاشم بیفکنی و صلح رحم بجا بیاوری بهتر است، چرا که امروز هیچ خطری از ناحیه آنها تو را تهدید نمی کند، و این به عنوان ذکر خیر و ثوابی برای تو باقی می ماند.

گفت: من چه امیدی به بقای نام خویش داشته باشم؟ «اخو تیم» (اشاره به خلیفه اول) حاکم بر کشور اسلام شد، عدالت کرد، و آنچه می بایست انجام دهد انجام داد، ولی همین که از دنیا رفت نامش فراموش شد، فقط می گویند «ابوبکر». سپس «اخو عدی» (اشاره به خلیفه دوم) به حکومت رسید و تلاش کرد، و ده سال دامن به کمر زد، اما همین که از دنیا رفت نام او هم از میان رفت، جز این که می گویند «عمر».

ولی «ابن ابی کبشه» (اشاره به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم) هر روز پنج مرتبه به نام او فریاد می زنند و می گویند: «أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ!» (با این حال کدام کار خیر و کدام نام نیک (از من و امثال من) بعد

از این باقی می ماند، ای بی شخصیت؟! نه بخدا سوگند، مگر این که دفن شود، دفن شود!، (این جمله اشاره به این است که باید نام گسترده پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را دفن کرد).^۱ و سرانجام یزید نوه ابوسفیان همه پرده ها را کنار زد و بطور علنی و آشکارا این نعره مستانه را سر داد:

لَعِبْتُ هَاشِمًا بِالْمُلْكِ فَلَا خَبْرُ جَاءَ وَلَا وَحْيُ نَزَلَ
بنی هاشم با حکومت بازی کردند و همه حرف ها مقدمه آن بود، و الا نه خبری آمده است و نه وحی از سوی خدا نازل شده!

و به این ترتیب همان گفته کفرآمیز و جنایت بار نیای خود ابوسفیان را با صراحت تمام بیان و امضا کرد. وضع زندان های امویان و شکنجه های عجیبی که نسبت به زندانیان خود روا می داشتند که نه تنها تاریخ اسلام که تاریخ بشریت را لکه دار و سیاه کرده است گواه زنده گفتار بانوی اسلام علیها السلام است.

آری، حوادث آینده به خوبی در آئینه تابناک قلب بانوی اسلام منعکس بود، و همان گونه که به روشنی در این خطبه خبر داد، بزودی سلطه گران متجاوز و بی رحم با شمشیرهای آخته و برآن بر مردم هجوم آوردند و حکومت های خودکامه استبدادگر جان و مال و ناموس و دینشان را بر باد دادند. هرج و مرج سایه شوم و سنگین خود را بر جامعه اسلامی افکند و مسلمانان تلخی آن همه سستی و تقصیر در حمایت از حق را چشیدند. و این است سزای آن کس که حق را رها کند و به دنبال باطل رود.

دلنویسته فردی که آلوده به مواد مخدر شد.

کاش هرگز همنشین رفیق ناباب نمی شدم

سالار یکی از افرادی است که دوران بهبودی خود را در مرکز ترک اعتیاد سپری می کند، البته تجربه ای ناموفقی از ترک داشته و به مدت سه ماه در این مرکز مورد درمان قرار گرفته است؛ اما دوباره در چنگال اعتیاد گرفتار شده و مجدداً میهمان این مرکز شده است.

سالار با ۱۸ سال سن، جوانی بود از شور و اشتیاق، کمتر می شد او را سر حرف آورد، ساکت بود اما پر از ناگفته هایی که شاید هرگز نمی توانست بر زبان بیاورد، پشیمانی و نور امید سراسر چهره اش را پوشانده بود.

۱ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، جلد ۵، صفحه ۱۲۹.

او در خصوص نوع موادی که مصرف می‌کرد، اظهار کرد: بنده شیشه مصرف می‌کردم، اما قدم اول ورود من به اعتیاد با ترامادول بوده و تمامی این سوء مصرف‌ها در نتیجه‌ی هم‌نشینی با دوستان ناباب بود.

وی با اشاره به اینکه اعتیادش را دو سال قبل و در سن ۱۶ سالگی شروع کرده بود، ادامه داد: در غذاخوری‌مان کار می‌کردم و رفیقی داشتم، با او شروع به مصرف ترامادول کردم، بعد از مدتی روی به مصرف شیشه آوردم، هدف اصلی من از مصرف شیشه، کسب انرژی مضاعف بود تا بتوانم کارهایم را بهتر انجام دهم؛ چرا که دوستانم در این خصوص بسیار تبلیغ می‌کردند.

وی با تأکید بر اینکه ورود به اعتیاد بدترین مسیر بوده و زندگی‌ام را دچار چالش کرده بود، گفت: شب‌ها دیر به خانه رفته و کل نظم و انضباط کارها و زندگی‌ام برهم خورده بود.

سالار در خصوص گرایش دوباره‌اش به سمت اعتیاد، یادآور شد: وقتی که مرخص شده بودم از حوالی خانه‌مان در حال رد شدن بودم که دوستم آمد و پرسید که آیا ترک کرده‌ای، به او جواب مثبت دادم؛ بعد از آن یک لحظه وسوسه شدم و دوباره به مصرف ترامادول افتادم.

وی با اشاره به اینکه هیچ مشکلی در زندگی ندارم، تأکید کرد: هرگز نمی‌خواهم که روزهای گذشته را تجربه کنم؛ چرا که این مسیر زندگی را به تدریج به تباهی می‌کشاند بی آنکه فرد حتی خودش مطلع باشد.

علیرضا برقی، مدیر این مرکز نیز در توضیح شرایط سالار گفت: یکی از خاصیت‌های ترامادول، این است که احساس سرخوشی به انسان داده و انسان را از خود بی‌خود می‌کند، نمونه‌ی بارز آن نیز بر روی دستان سالار خودنمایی می‌کند، این خالکوبی نشان می‌دهد که مصرف این نوع مواد انسان را از خود بی‌خود می‌کند.

وی گفت: طی اولین مراحل درمانی که سالار مرخص شده بود، تعدادی از بچه‌ها به من اطلاع دادند که سالار با یک سری از افراد به ظاهر ناباب رفت و آمد می‌کند، بعد از شنیدن این گفته‌ها با وی تماس گرفته و خواستار ملاقات شدم.

وی در این خصوص تأکید کرد: زمانی که با سالار ملاقات کردم متوجه شدم که او به طور کلی عوض شده است و شرایط بهبودی زمان ترخیص را ندارد، او قرص ترامادول مصرف کرده و کاملاً مشهود بود، از این رو فرآیند درمان مجدد شروع شده و اکنون نیز در شرایطی قرار دارد که بعد از چند روز دیگر ترخیص خواهد شد.



برقی اضافه کرد: سالار اکنون در شرایط بسیار مناسبی قرار دارد و مسئولیت پذیر و هوشیار شده است، گاهی به قدری از عهده‌ی مسئولیت‌هایش به درستی بر می‌آید که شاید هر فردی قابلیت آن را نداشته باشد و دائماً در مورد گذشته‌اش اظهار ندامت و پشیمانی می‌کند و می‌گوید "کاش هرگز این اتفاقات نمی‌افتاد و ای کاش هرگز **همنشین رفیق ناباب** نمی‌شدم!"